

جوانان کمونیست ۱۲۵

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۳۰ دی ۱۳۸۲

۲۰ ژانویه ۲۰۰۴

سه شنبه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



«تحصن» آنها، اعتصاب ما!

مصطفی صابر

نه بست نشستن اوباش مجلس و لفت و لیس های افطاری آنها بسادگی «جنگ زرگی» انتخاباتی است، و نه اعتصاب سراسری معلمان و یا اعتراضات کارگری این روزها محدود به مسائل «صنفتی» است. جایگاه آنها در متن اوضاع سیاسی شکننده و ملتهب ایران چیز دیگری است.

پریلن جناح راست و دوم خرداد بر سر «تعیین صلاحیت» ها در واقع بخشی از دعوا برای تعریف توازن قوا در بالای حکومت اسلامی، پس از شکست کامل دوم خرداد است. «قوه مقننه» و «قوه مجریه» دست دوم خردادی ها بوده و معلوم

است که دستشان نخواهد ماند. جناح راست برای فتوحات هرچه بیشتر دورخیز کرده است. رفسنجانی هم بشیوه خود مشغول است. تازه باید استخوانی هم جلوی سران دوم خرداد (مخصوصا روحانیون مبارز) انداخت و سرگرمشان کرد. تقسیم قدرت داخلی تنها عرصه دعوا نیست. بموازات آن سیاست خارجی نیز شاهد کشاکش جناح ها و تحولات جدی است. حسن روحانی اکنون دستکم بیشتر از وزیر خارجه خاتمی (اگر نه خود خاتمی) از طرف دول غربی تحویل گرفته میشود و با اتوریته و اعتماد به نفس از جانب جمهوری اسلامی صحبت میکند. اروپا گرچه سعی میکند هوای دوستان دوم خردادی اش را داشته باشد، اما به قدرت جناح راست و توانایی انعطاف کسانی مثل رفسنجانی توجه دارد. (توافق اخیر اروپا با جمهوری اسلامی حول سلاح های اتمی، بیشتر توافق با خامنه ای و رفسنجانی بود.) آمریکا طی چند هفته گذشته و با «دیپلماسی زلزله» رفتار ملایمی در قبال کل جمهوری اسلامی در پیش گرفته است و آشکارا «چراغ سبز نشان میدهد». در یک کلام، تغییرات جدی در بالا در حال وقوع است: تغییر توازن قوای درون حکومت، تعریف مجدد مناسبات بین المللی و در نتیجه تلاش برای تعریف جمهوری



اسلامی پسا خاتمی.

این تحولات البته چیزی است که بالایی ها میخوانند صورت بگیرد. اما اوضاع (بویژه در رابطه با ایران) به مراد آنها شکل نمی گیرد. اعتراض و نفرت مردم از جمهوری اسلامی مهمترین فاکتور شکل دهنده تحولات ایران است. و بروشنی میتوان دید مردم هم اکنون در کجا ایستاده اند. بی تفاوتی و بی اعتنایی مردم به دعوی اخیر جناح ها، بر بیزاری آنها از هر دو جناح و سرنگونی طلبی آنها تاکید موکد میگنارد. تعیین تکلیف های تازه در درون حکومت معنی اش برای مردم بروشنی این است که باید به میدان آمد و از شر رژیم اسلامی رها شد. سیاست تایید آمیز آمریکا و اروپا در قبال کل جمهوری اسلامی نیز همان پیام را دارد. کوره امیدهای باقی مانده به دخالت آمریکا و «ناچی» از خارج کشور را میخشکاند. در ضمن یک معنی این تحولات اینست که نقش و توانایی اپوزیسیون بورژوازی اعم از سلطنت طلب و ملی اسلامی ها (جمهوریخواهان) حتی کمتر از قبل خواهد شد. آنها دیگر نه وعده اصلاحاتی دارند که بدهند و نه ناچی که بشارت دهند. خلاصه کلام، این تحولات بر ضرورت اقدام و عمل مستقیم خود

مردم و قدرت گیری بیش از پیش کمونیسم کارگری تاکید میگنارد. و این یعنی انقلاب. وقتی به اعتصاب سراسری معلمان دقت کنید، وقتی اعتراضات مکرر کارگری (از جمله حرکتی در پتروشیمی، کارخانه وابسته به ایران خودرو و غیره) را در نظر بگیرید، وقتی بیاد بیاورید کسانی که تظاهراتهای شبانه خرداد و تیر سال گذشته را برپا کردند جایی آن دور برها هستند، وقتی ۱۶ آذر امسال و شعار آزادی و برابری و «حمایت از اعتصابات کارگران» را در نظر بگیرید، وقتی سوختن سریع پروژه عبادی را مورد نظر قرار دهید، وقتی اقبال از کنگره ۴ حزب کمونیست کارگری را به حساب آورید، آتوقت می بینید که در مقابل تلاش و سناریوی بالایی ها، انقلاب نیز در کار خویش است.

توجه به این واقعیت باید همه رهبران عملی و کمونیست در عرصه های مختلف، چه در کارخانه ها، چه در بین معلمان، چه در جنبش زنان و چه در دانشگاهها و در بین جوانان و محلات را مصمم تر و مصرتر و فعال تر کند که اعتراضات را وسعت بخشند و حول ستاد رهبری انقلاب ایران، حول حزب کمونیست کارگری گرد آیند. نباید منتظر وقایع نشست. ما اکنون بخشی از وقایع، و بخش تعیین کننده آن هستیم.

اینجا گرجستان نیست!

آرش حمیدی

«تاریخ دوبار تکرار میشود، اولین بار به صورت تراژدی و دیگر بار به شکل کمدی» مارکس، هجدهم برومر لوی بناپارت. این گفته مارکس حال و روز اصلاح طلبان در ایران است. روزنامه های اصلاح طلبان مجلات فکاهی و طنز شده است. روزنامه شرق از قول کدیور در جمع متحصنین نوشته است: «رد صلاحیت کنید ما را، ملت ما بیدارتر میشود!». اینها بدون اینکه عمدا در کار باشد، با چه مهارت و ظرافتی در کار خندانان ما هستند!

عبدالله مومنی رئیس دفتر تحکیم اکثریت گفته است: چرا زودتر از اینها در مجلس ششم دست به تحصن نزدید؟ موقع قتلهای زنجیره ای و بسته شدن مطبوعات چرا تحصن نکردید؟! این یعنی اینکه اصلاح طلبان خود بهتر از هر کسی میدانند که هیچ انسان آگاهی در جمهوری اسلامی حتی اگر همه تایید صلاحیت شوند، پای صندوقهای رای نمی رود و این انتخابات حتی بدتر از انتخابات شوراها برای آنان رقم خواهد خورد. میدانند که بی جهت دست و پا میزنند پایان این قصه صلاحیت ها هرچه باشد فرقی به حال آنها نمی کند، اصلاحات خیلی وقت است که مرده است. در این بین حال و روز بقیه طیفهای بورژوازی هم بهتر از این نیست!

سلطنت طلبان بیچاره که امید به حمله آمریکا داشتند، وقتی رفتار آمریکا و اروپا در حمایت از «انتخابات آزاد» همین مجلس شورای اسلامی بوگندو را می بینند (یعنی حرف آقای کدیور را تکرار میکنند!)، آه می کشند و پیام میگیرند که آرزوهای خود را



مطبوعات انعکاس یافت. این تعرض آشکار اسلام سیاسی به انسانیت و دستاوردهای بشریت متمدن بود و ما تصمیم گرفتیم در برابر این تعرض بایستیم. سازمانهای آزادی زن ایران و عراق به کمک حزب کمونیست کارگری در تقابل با این حرکت اسلام سیاسی در بعضی از شهرهای بزرگ اروپا مانند برلین، لندن، استکهلم، اسلو و یوتبورگ تظاهرات و

صفحه ۲

در برابر اسلام ایستاده ایم!

گفتگو با سهیلا شریفی

جوانان کمونیست: سازمان آزادی

زن تظاهراتی در تقابل با تظاهرات جریانات اسلامی سازمان داد. هدف از این تظاهرات چی بود و چطور پیش رفت؟

سهیلا شریفی: احزاب و جریانات

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ در برابر اسلام

پیکت راه انداختند و اجازه ندادند شهرهای بزرگ اروپا به میدان یکه تازی جریانات ارتجاعی اسلامی تبدیل شود.

جوانان کمونیست: جریانات اسلامی با چه شعارهایی ظاهر شده بودند و شعارهای شما در برابر آنها چه بود؟

سهیلا شریفی: شعارهای جریانات اسلامی بیشتر از زاویه آزادی پوشش و حق مردم برای پیشبرد اعتقادات خود بود آنها خواهان آزادی حجاب در مدارس و ادارات بودند و ما در مقابل در سخنرانیها و در جواب به خبرنگاران به این نکته اشاره کردیم که حجاب یک نوع پوشش نیست. حجاب معرف و نماینده یک طرز تفکر، یک مذهب و برسمیت شناختن فرودستی و بردگی زن است. ما خواهان برچیده شدن مدارس مذهبی و آپارتاید جنسی بودیم. در لندن دو تن از رفقای ما خود را در چادر و زنجیر پیچیده و به شیوه ای سمبلیک نقش حجاب در به بردگی کشاندن زنان را نمایش دادند. مشابه این حرکت در برلین هم پیش رفته بود که مورد توجه مردم و جمع خبرنگاران واقع شده بود.

در لندن علاوه بر تظاهرات، یک کنفرانس مطبوعاتی هم از طرف سازمان آزادی زن (عراق) در اعتراض به تصویب قوانین اسلامی در عراق برپا شد که بنویس خود جالب بود و با استقبال و برپا شد.

جوانان کمونیست: از زبان شما این تظاهرات چيست؟

سهیلا شریفی: من فکر می کنم اگر ما نبودیم، خیابانهای اروپا توسط عده ای مرتجع باند سیاهی قرق میشد. و آنها در نمایش وحشت خود دچار هیچ خللی نمی شدند. ما صدای انسان متممن و سکولار را بلند نگه داشتیم و به این معنی حرکت ما موفق و مهم بود. اما این کافی نیست چون خیلی از کسانی که باید با ما بودند و صف ما را تقویت میکردند، غایب بودند. جامعه اروپا، سازمانهای مدافع حقوق زنان و کودکان و جریانات رادیکال به این حرکت جریانات اسلامی پاسیو برخورد کردند. بی اعتمادی مردم اروپا نسبت به دولتهائی مانند دولت فرانسه و ترس از سریند کردن مجدد راسیسم اروپائی، و حتی ترس از تروریسم اسلامی، مردم را در برخورد به جریانات اسلامی محتاط کرده است. بسیاری هنوز از دور نظاره گر ماجرا هستند. کار ما برای بمیدان کشیدن این نیرو تازه آغاز شده است.

خاطرات دوره نفرت!

جمال کمانگر

خوانده اند با انواع ترند آن روز را به سلامت وارد کلاس می شوند. اما تازه اگر آن روز «درسهایی از قرآن» و «بیش اسلامی» و ادبیات فارسی و عربی و تاریخ را نداشته باشند (دیگر چه ماده درسی می ماند؟!، شاید روز نسبتاً خوبی سپری کنند.

چرا گفتم قرآن، بیش اسلامی، عربی، ادبیات فارسی و تاریخ؟ چون اگر به دقت به آنها نگاه کنید هر پنج درس یک مضمون را دنبال می کنند: خزعبلات اسلام! قرآن که جای خودش را دارد اگر بخواید یاد بگیرید، خوب تلفظ کنید و بخوانید، بارها تنبیه یا تحقیر می شوید. تازه اگر هم یاد گرفتگی کارت سخر می شود. که به زور رفتن به «نمازخانه»، «قرائت»، «ترتیل»، «تجوید» و هزار و یک کوفت و زهر مار دیگر از آن در می آید. خنده دارتر از همه باید به قول معلمهای قرآن «وضو» بگیرید. چون دست زدن به آن گناه است!! این یکی از درسهای سختی است که بر خلاف میل خودت باید یاد بگیرید. و کمتر می شود با آن در افتاد. (حتی اگر ده بار هم وضو تان را «باطل» کنید!) ولی باز مسخره کردن و بازی گویی همیشه جاشنی کلاسهای قرآن است.

داستانهای بیش اسلامی و متنی که برای درس اخلاق و اثبات وجود خدا و قوانینش در آن است به حلی مشتمل کننده و عهد عتیقی است که آدم نمی داند فقرتش را چطور بیان کند. تصورش را بکنید که از آدم شروع می کنند که خدا چگونه از گل ساخته و در او «دمیده» و بدین شکل رو زمین گذاشت و ۱۲۴ هزار پیامبر ریز و درشت دیگر را ردیف می کند که برای هدایت بشر فرستاده است. یا داستان نوح و عمر ۱۰ قری او! کشتی که ساخته! بحلی اغراق آمیز و دروغ بزرگ تاریخ است که اینها با آب و تاب و نقاشی و غیره می خواهند از واقعیت هم واقعی تر جلوه اش بدهند. یک پیر مرد ریش بلند با عمامه و دستاری بلند که با یک چوب همه را انکار داخل آغل می کند به کشتی خود ریخت.

حالا اگر این فاز را پشت سر گذاشتید، تازه طبق معمول هر روز با دعا و قرآن و حدیث هفته و نیایش به جان هر چه جک و جانور اسلامی باید دست و پنجه نرم کنید. برای برگزاری یک صبحگاه یا ظهرگاه در مدارس باید خود را برای حداقل نیم ساعت ایستادن سر پا در گرما و سرما و گوش دادن به این اراجیف که جز افسردگی چیزی به بار نمی آورد، آماده کنید. چاره ای هم ندارید. چون به شدت کنترل می کنند! جنگ و دندان و تهدید و ارباب همیشه جاشنی کار (سربازان گم نام امام زمان) است.

اما کور خوانده اند. هر روز می بینی که خیلی از دانش آموزان برای عدم شرکت در این مراسم کسل کننده پشت در نگه داشته شده اند. و سین جیم که چرا دیر آمده اید؟ دانش آموزان دست آنها را



ویل» و «عزرتیل» و انواع جن و انس و جانورانی که میلیونها سال پیش منقرض شده اند، پیدا می شود که همه قرار است که اگر کسی کاری خلاف رئیس بزرگ (خدا) انجام داد سزایش دهند!! «بهشت و برزخ و جهنم»، «مبا و معاد و قیامت و جهاد» و خلاصه صدها کلمه دیگر که همه جز، پوچ بودنشان چیزی در خود ندارند. ولی با انواع کلک و تکنیک می خواهند به خورد دانش آموزان بدهند.

ادبیات فارسی و تاریخ هم کم و بیش شبیه دو درس دیگر است. از خراب کردن آثار باستانی توسط ابراهیم! (بتها) و برین سر پسرش (چقر عمیق و انسانی!) تا سحر و جادوی موسی و منحرف کردن رود نیل! تا سپاه ابرهه و طیرا ابابیل کنایشان. تا طبابت بدون مدرک عیسی مسیح!! اصحاب کف تا پیش از سیصد سال خواب شاه «امام» غیبت هزار و چند صد ساله «امام» زمان» در چاهی در سامره!! آدم یاد قائم شدن صدام می افتد! تا زندگی اکثر امام های کوچک و بزرگ اسلامی. این داستانها به وفور در ادبیات فارسی و تاریخ وجود دارد. تا انواع نظریه های ضد زن و مردسالارانه. فضای این متون تماما غم و اندوه و سوگواری است که امرغانی جزء افسردگی روحی ندارد. زمانی که در عصر انفورماتیک و ماهواره ها و شبیه سازی زندگی می کنیم تلاش برای اثبات آنها و دفاع ازشان دیگر خیلی وقاحت بلکه طبیعتی جنایتکارانه می خواهد که همه را برنامہ ریزان اسلامی یک جا دارند. خلاصه میشود بازم گفت و جنایاتی که در جریان است را برشمرد. اما همینقدر هم تصویری میدهد که چه وقتی از بچه ها تلف میشود، چه نیرویی هنر میورد، چه احجاف و بی حرمتی در حق انسان میشود، چه ارتجاعی و کثافتی در این تلاشهای نفرت انگیز نهفته است.

باید مذهب را از جامعه جaro کرد. باید همه جا علیه آن جنگید. در کلاس درس، در خیابان، در کارخانه و مهمتر باید آترا از حکومت بیرون کرد. کسی اگر دوست دارد به خرافه ای ایمان داشته باشد، این تصمیم شخصی اوست و هر کاری که دوست داشت بکند. اما هیچ کس و هیچ دولت و هیچ نهاد و هیچ سنت و هیچ عادت و هیچ مجاز نیست جهل و خرافه و جنایت مذهب را به دیگران تحمیل کند، مخصوصاً به بچه ها!

از صفحه ۱ گرستان نیست!

فلا باید در صندوق بگذارند. فهمیده اند که برای آمریکا (لااقل فلا) حفظ جمهوری اسلامی و فشار روی آن و «امتیاز گیری» و معامله با جناحی از آن، بر سرگونی جمهوری اسلامی از طریق قهر نظامی (یعنی همان آرزوهای مذکور) که پروژه ای با آینده نامعلوم است، ترجیح دارد. خصوصاً اینکه آمریکا در عراق با سر به سمت شکست میرود!

دوستان دوم خردادی های مغصوم در خارج کشور هم که در برلین کنگره «اتحاد جمهوریخواهان برگزار کرده اند (با وجود تلاشهای بی بی سی برای باد کردن انبان سورآخشان) حال و روز بهتری ندارند. تحصن مجلسیان باعث شده تا باز فیلشان یاد اصلاحات کند و تمام گنده کاریهایشان در حمایت از خاتمی را که میخواستند پنهان کنند، دوباره با حمایت از متحصنین روی صفحه بریزند! (آری، این همیشه مظلومان تاریخ تا میخوانند کمی اودکلن بخود بزنند، یک «حادثه» ای پیش می آید که با سر به ته خاکی سیاست ایران می افتند! البته هربار هم داوطلبانه).

امروز تمام اپوزیسیون که شعار رفراندم داده است، در فکر آن است که چه خاکی بر سرش بریزد. هنوز مدتی نگذشته که هوادارانشان به آنها گوشزد میکنند: شعار رفراندم پوچ است. با این شعار کاری از پیش نمی رود. ایران یا گرجستان فرق میکند... جالب آن است که اینان عنوان میدارند با فشار «مقاومت مدنی» مردم حکومت را به قبول رفراندم تحت نظر سازمان ملل وامی داریم تا حکومت آینده را تعیین کنیم. در حالی که نمی فهمند مردمی که بتوانند به رژیم چنان فشاری بیاورند دیگر به شما و رفراندمتان نیازی ندارند. رژیم را مستقیماً سرنگون میکنند و با لگد به قعر تاریخ می فرستند و با دست خویش بر سرنوشتهشان مسلط خواهند شد.

بورژوازی ایران در انتزاعیات خویش سیر میکند. برای اینکه شعارهایی نظیر «اصلاحات»، «استحاله از درون» و «رفراندم» به شکست بینجامد و به هوا برود، نیازی به استدلال نبوده و نیست. این تاریخ و این حرکت انقلابی کارگران و زحمتکشان است که از روی شما و استدالات و فلسفه بافی هیاتان رد میشود. (تاریخی که عنصر آگاه و پراتیک هدفمند اش را هم در وجود حزب و جنبش کمونیسم کارگری دارد!) هرکسی که شرایط ایران را می بیند در می یابد که حالا تنها افق پیشاوار، افق انقلاب است. کاری که باید کرد این است که برای تحقق هرچه زودتر انقلاب و به بیروزی رساندن آن به حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست پیوست!

میتوانید طرفش نروید؟! در پاسخ به بنفشه

مصطفی صابر

بنفشه عزیز!

راستش اینقدر به سوالات مشابه در نشریه جواب داده ایم که فکر کردم دیگر «حوصله» ای در این زمینه برایم نمانده باشد! اما نامه بنفشه هایی مثل تو باز مرا سر شوق آورد و نخواستم فقط به نوشته های زیادی که مخصوصا منصور حکمت نوشته، و یا شماره های متعدد قبلی همین نشریه رجوع دهم. (ولی به آنها رجوع کن و به این جواب قانع نشو!) بنظر نامه تو نکات جالبی دارد که بحث در باره آنها امیلوارم برای خوانندگان قدیمی تر هم جذاب باشد.

«انحراف» از کمونیسم؟

نامه خودت را یکبار دیگر بخوان. فرض تو این است که نظام سیاسی و اقتصادی در شوروی و چین از کمونیسم «منحرف» شده اند. لابد جواب تو به کسانی که آن جوامع را بعنوان «کمونیستی» جلوت میگذارند، همین است: خیر آنها از کمونیسم «منحرف» شدند! بنظر مردم حق دارند اگر از این جواب قانع نشوند. حق دارند بگویند از کجا معلوم که شما هم «منحرف» نشوید و همان بلا که سر قبلی ها آمد سر شما نیاید. ولی همه بحث ما این هست این نحوه نگرش به کمونیسم از اساس صحیح نیست. اینها بارها گفته ایم که کمونیسم یک سری عقاید و آراء که کسی به آن وفادار است و کسی از آن «منحرف» میشود نیست. حتی کمونیسم فقط آنچیزی که مارکس و انگلس و لنین و منصور حکمت میگویند نیست! اینها البته رهبران کمونیسم اند. اما کمونیسم خود هنوز چیز دیگری است. کمونیسم یک جنبش واقعی در جامعه است. این جنبش اجتماعی مشخصات خودش را دارد. افق و آمال و آرزوهای خودش را دارد. پایه مادی و اجتماعی و نیروی تاریخی آن بردگان مزد

هستند. طبقه کارگر. برده مزد مثل هر برده دیگری برای رهایی میکوشد. به اشکال مختلف، چه فردی و چه جمعی، چه اقتصادی و چه سیاسی، چه نظری و فرهنگی و هنری و چه انقلابی و چه مسالمت آمیز و اصلاح طلبانه، چه در عرصه حقوق فردی و چه در عرصه آزادی های سیاسی خلاصه در همه جا و همه سطح. کمونیسم این است!

لااقل از زمان مانیفست کمونیست، این کمونیسم هدف نهایی روشنی دارد: الغاء بردگی مزدی، الغاء مالکیت خصوصی بورژوازی. ساختن جامعه ای که دیگر انسان برده نیست. برای مزد، یعنی برای اجاره خانه، برای تامین غذا و تفریح و کتاب و شکلات مجبور نیست برای کسی (ولو دولت) کار کند. بلکه برای جامعه ای میسازد که در آن همه تامین باشند. نیازهایشان بر آورده شود. کار یک اجبار و ضرورت نباشد، بلکه نیاز و تمایل داوطلبانه انسانها باشد. در یک کلام کمونیسم یعنی جنبش اجتماعی برای نفی بردگی مزدی و ساختن جامعه آزاد انسانهای آزاد.

خوب حالا به چین و شوروی برگردیم. این کمونیسم هیچگاه در چین به قدرت نرسید که حالا ما بدهکار کسی باشیم، یا اینکه کسی از آن «منحرف» شده باشد. «کمونیسم» در چین از همان ابتدا جنبش انقلابی رهایی ملی (یعنی بورژوازی) مردم چین از یوغ استعمار و فئودالیسم و امپریالیسم بود. جنبش دیگری بود زیر نام کمونیسم. البته جنبش ما، یعنی کمونیسم کارگری، در روسیه انقلاب کرد و قدرت را هم گرفت، اما بعد از مرگ لنین و در سالهای آخر دهه ۲۰ میلادی وقتی که قرار بود تازه به مساله اصلی جامعه، یعنی اقتصاد، دست ببرد و بردگی مزدی را الغاء کند، از جنبش برده داران مزدی روسیه شکست خورد! چه در چین و چه شوروی بعد از سالهای ۲۰، این برده داری ملرن یعنی



سرمایه داری بود که حکم راند و آنهمه افتضاحتاتی که تو هم اشاره میکنی بار آورد. بحث «انحراف» از کمونیسم نبود. بحث جدال جنبش های مختلف اجتماعی بود. استالین، برای مثال، از کمونیسم منحرف نشد. در مقطعی، جنبش را که زمانی به آن تعلق داشت ترک کرد و به جنبش دیگری پیوست. به پرچمدار اصلی جنبش رشد اقتصاد روسیه (یعنی یک سرمایه داری ملی و دولتی که اسم سوسیالیسم به آن داده بودند) تبدیل شد. یا مثلا حزب کمونیست شوروی «منحرف» نشد. جدال بین جنبش های اجتماعی که در جامعه روسیه وجود داشت، جدال بین بردگان مزدی و سرمایه داران، بطور طبیعی به درون حزبی که در قدرت بود و از بیرون حریفش نشده بودند، انتقال داده

شد. دوره ای دعوا و جدال بود. ولی سرانجام طرفداران سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم پیروز شدند و بعد هم مثل خیلی سرمایه دارهای دیگر رقبا یا مخالفین خود (از جمله کمونیستها) را کشتند و نابود کردند و بعد هم برای رشد سریع سرمایه داری دولتی روسیه بنام «سوسیالیسم و پرولتاریا» اختناق و سرکوب و کشتار راه انداختند.

وخاصت کمونیسم؟

خوب حالا آن «اوضاع وخیم» که در شوروی دیدیم، دیگر وخاصت آن سرمایه داری تحت نام کمونیسم است. کمونیسم ما، کمونیسم کارگری شکست خورده بود و به حاشیه رانده شده بود. راستش در اوائل کار هم هیچ «وخاصتی» در کار این سرمایه داری دولتی بنام سوسیالیسم نبود. برعکس

طرف کمونیسم نرو!

«با سلام خدمت آقای صابر عزیز!

من پانزده ساله و تازه با کمونیسم آشنا شده ام. دیدم که شما همیشه با حوصله نامه های دیگران رو در نشریه جواب میدید، گفتم که بهتر است برای گرفتن جواب سوالاتم به شما میل بزنم! عقاید کمونیستی و مارکسیستی به نظر من واقعا جالب و درست می آیند. اما چرا در هر کجای دنیا که حکومت کمونیستی برقرار شده بعد از مدتی وضع شان آن قدر رو به وخامت رفته؟ مثل شوروی، چین یا... یعنی همه حکومت های کمونیستی که در جهان برقرار شده بودند به انحراف کشیده شده بودند؟

علاوه بر این به هرکدام از اطرافیانم که از کمونیسم میگویم، میگویند که طرفش نرو! البته من به این حرف آن ها کاری ندارم اما دلیل شان برای مخالف با کمونیسم من رو به فکر فرو برد. دلیل مخالفت اطرافیان من با کمونیسم: ۱. وضع خراب شوروی و بقیه کشورهایی که حکومت کمونیستی در آن ها برقرار شده بود. (به راستی چرا همیشه این گونه بوده؟) ۲. همشون متفق الزای هستند که کمونیسم مخالف فردیت انسان است و در احزاب کمونیستی اراده جمعی پس از مدتی به اجباری تبدیل میشود که سرپیچی از آن غیر ممکن است! مثال هایی می آورند از این که حکومت های کمونیستی در شوروی و جاهای دیگر نوازندگان را مجبور میکردند که فقط قطعه های خاصی را بنوازند. نویسندگان را مجبور میکردند که فقط در موضوعات خاصی بنویسند و اگر آن ها از این طور نمی کردند با مجازات سختی روبرو میشدند. آیا واقعا اینطور بوده؟ و اگر بوده (که فکر میکنم بوده) چرا در حکومت کمونیستی این گونه موارد دیده میشد؟ آیا این ها هم در اثر منحرف شدن حکومت ها بوده؟

اگر به من جواب بدید خیلی ممنون میشم. همیشه نشریه خوب تون رو میخوانم و در آشنایی من با کمونیسم نقش زیادی داشته. با احترام، بنفشه از تهران»

خیلی هم موفق بود و به سرعت برق و باد پیشرفت میکرد. آنوقتی که سرمایه داری بازار آزاد دچار بزرگترین بحران تاریخش میشد، آن یکی سرمایه داری آمار و ارقامی از رشدش میداد که اینطرفی ها جز «دروغ» است، چیز دیگری نمی توانستند بگویند. اما آن سرمایه داری برنامه ریزی شده و دولتی در بعضی جنبه ها حقیقتا هم بهتر از سرمایه داری بازار آزاد است! (همان پیشرفت) میگرد. جنگ جهانی دوم به همه دنیا نشان داد که از دل شکست انقلاب کارگری روسیه یک سرمایه داری متفاوت از شکل کلاسیک سرمایه داری عروج کرده بود که در مدتی کوتاه و باور نکردنی به یک ابر قدرت تبدیل شده بود. بویژه بعد از جنگ دوم جهان عرصه جدال دو نوع سرمایه داری، دو قطب بزرگ جهانی

به هم طبقه ایهای خود محترما هشدار میدهد که فاکتور دخالت مردم در روند اوضاع را نادیده نگیرند و در محاسبات خود برای تعیین تکلیف سرنوشت قدرت سیاسی ... نیروهای سیاسی بسیار قابل ملاحظه ای که در این جامعه هستند» را در تحلیلهای مشعش میهمانان و میزبان برنامه رادیو «فردا» آنچه نصیب شنوندگان نشد ورزش بسیار فراتر بود. آن محرومیتی که به شنوندگان این رادیو تحمیل شد، همان تحلیلهای انقلابی است که مردم مشتاق شنیدند هستند و در این برهه از زمان صرفا از دهان کادرها و رهبری

صفحه ۴

رویدادهای هفته

اسعد کوشا

(فردا) بوی کپک میدهد!

داستان غش و ضعف نمایندگان اسلام کمتر ناب محمدی نقل مجالس و بزم شبانه مردم شده است. برنامه میزگرد دمکراسی و حقوق بشر «رادیو فردا» برای روشن شدن شنوندگانش در مورد رد صلاحیتها میکروفن را جلوی انواع و اقسام مشروطه خواهان از سلطنی و ولایتی قرار

میدهد. آقای داریوش همایون رازین حزب مشروطه (سلطنتی)، آقای مهراون براتی عضو شورای رهبری اتحاد جمهوری خواهان و جناب آقای شمس الواعظین روزنامه نگار، دو نفر آخر تاکنون برای مشروطه کردن حکومت شرع مقدس جانفشانی کرده اند.

موعظه های زیبای آقای شمس الواعظین حاکی از قصد ایشان در به تاخیر اناناختن خاکسپاری جنازه متعفن دوخرداد در آرامگاه ذهنشان بود. (دعای خیر فاطمه زهرا پشتیانشان!) شاید هم منتظر دعای جرج بوش و دم مسیحائی ایشان برکالبد بیجان مصلحین رژیمشان است. (اما خود بوش از کی دعا دریافت کند!)

آقای براتی با برشمردن عدم کارایی رژیم اسلامی در حفظ خود، با طفره رفتن از اطلاق عنوان سرنوشتی و روند موجود، با اینکه دل کندن و وداع با جنازه جناح «انتخابی» رژیم اسلامی برایش دشوار است لیکن در پس حرفهایش فاتحه رژیم اسلامی، را خوانده است، و صرفا در صدد دور نگهداشتن توده های مردم از دست انارزی به ارکان قدرت سیاسی است تا «نخبگان» (اسم رمز متخصصین بورژوازی) برای جابجای قدرت از بالای سر مردم چاره اندیشند.

داریوش همایون نماینده سنت ناسیونالیسم پروغرب بورژوازی ایران، نه تنها کار رژیم را تمام میداند، بلکه

حزب کمونیست کارگری بیرون میآید و دقیقا به همین دلیل است که این رادیو در محفل هفتاد ساله و کپک زده مشروطه وامانده از گام برداشتن در مسیر فردا میهراسد. شامه طبقاتی آقایان درست تشخیص داده است، فردا مال کمونیستهای کارگری است. اینترام من اضافه کنم که تکرار هنرنمایی های بی بی سی و صدای آمریکا در سال ۵۷ و انحصار خبری نوع بی بی سی متعلق به گذشته است. ما سد سانسور مشمژر کننده شما را میشکینم و در فردای پیروزی جوانان ما به ریششان میخندند: «سانسور در عصر انقلاب انفورماتیک؟! بوی کپک میدهد!»

از صفحه ۲

در پاسخ به بنفشه

داری رقیب از میدان خارج شده بود، هم مهمتر به همه بردگان مزدی جهان گفتند: ببینید کمونیسم یعنی همین و هزار دروغ و حقه بازی هم ضمیمه آن کردند. (برای مثال کسانی که بدست از این می نالند که در سرمایه داری دولتی روسیه چطور حقوق فرد محدود تر بود هیچگاه لاف با همان حساسیت به این فکر کردند که با یک ضرب انگشت ترومن یک میلیون نفر در ژاپن جزغاله شدند؟! یا آنها که بدست به اردوگاههای کار اجباری روسیه انتقاد میکنند به اینهم عنایت دارند که نازی ها چینیکار نمایندگان بورژوازی «محترم» آلمان بودند؟)

نکند. اما بهر حال برده است. کسی که از آزادی فرد در جامعه بورژوازی صحبت میکند و بردگی انسانها را نمی بیند، در واقع تحت تاثیر تبلیغات سنگین بورژوازی و اتفاقا همان تفاوت موقعیت فرد در دو سرمایه داری پیش گفته است.

واقعت اینست که فرد در سرمایه داری بازار آزاد از برخی آزادی های سیاسی و فردی ناشی از ضرورت عملکرد آزاد بازار برخوردار است. اما

جواب به دوربها

خوب حالا با این توصیفات، بنفشه عزیز، باید بتوانی به دور و بری هایت جواب دهی. سوالات ساده ای جلوی آنها بگذار. پیرس شما برای آزادی فرد مبارزه میکنید؟ خب، در همین ایران چه کسی بیش از همه دارد آترا منکر میشود؟ واضح است که جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی.

و چه کسی است که قاطعانه علیه جمهوری اسلامی ایستاده و از انسان دفاع میکند؟ جز حزب کمونیست کارگری؟ آیا هواداران شوروی سابق (که حالا «جمهوریخواه» شده اند) از همین جمهوری اسلامی و خاتمی دفاع نکرده و نمی کنند؟ آیا هواداران سنتی سرمایه داری غرب (امثال سلطنت طلبان) تمام همت خود و قدرت رسانه ای خود را معطوف به نجات «روحانیت خوب و مامانی» و «رفرانوم» (که یعنی انقلاب علیه جمهوری اسلامی موقوف) و حفظ حکومت مذهبی و منهدم نکرده

اند؟ خوب در دنیای واقعی چه کسی از حقوق فرد دفاع میکند؟ از این دست سوالات هزارتا میشد کرد. چه کسی از حقوق زن و برابری زن و مرد دفاع میکند؟ چه کسی از حقوق کودک دفاع میکند؟ چه کسی خواهان بهداشت مجانی و تحصیل مجانی و ۳۰ ساعت کار است؟ چه کسی بی قید و شرط از آزادی های سیاسی

دفاع میکند؟ چه کسی وسیعترین مطالبات مربوط به حقوق مدنی و فردی را در برنامه اش طرح کرده است؟ حز کمونیسم کارگری؟ جز حزب منصور حکمت؟ جز برنامه یک «دنیای بهتر»؟ خوب اگر کمونیسم حی و حاضر اینست و دارد اینطور قاطعانه و سرافرازانه از ذره ذره انسانیت دفاع میکند، شما این را ول کرده اید و شوروی مرحوم سرمایه داری دولتی چسبیده اید؟ فکر نمی کنید یک جای کار اشتباه بزرگی دارد صورت میگیرد؟ این کمونیسم است، و واقعا تلاش کنید «به طرفش نروید» و ببینید در کنار چه کسانی قرار میگیرید و چقدر از حرمت و آزادی انسان ها چه بعنوان فرد و چه بعنوان اجتماع میتوانی دفاع کنید؟

هر انسان شریف و آزادیخواه و برابری طلب که دنبال کمونیسم میگردد، به خواسته های و امیال و آرزوهای خود و تلاش های اکثریت عظیم انسان معاصر برای رهایی رجوع کند. کمونیسم همانجاست و گاه حتی از قلب شما هم به شما نزدیکتر است! مثل روز برای همه روشن میشود که

بازهم تاکید بر سازماندهی فواد عبدالمهی



نگاهی گذرا به ما می گوید

که مردم جامعه ایران محتاج سازماندهی هستند. برای رهایی از جمهوری اسلامی محتاج آن هستند. چیزی که مبادی و زمینه آن وجود دارد و هر درجه از موفقیت آن بستگی به پراتیک کمونیست ها دارد.

جامعه با ضعف تشکل و سازماندهی فقط می تواند به انتظار مشتت جانی بنشیند، با نا امیدی با آن روبرو شود و هر از گاهی اعتراضات خودبخودی بوجود آید. تظاهرات و اعتراضات خودبخودی، چیزی کمتر از سیلابی بزرگ نیست که هر چند وقت یک بار جامعه ایران را در بر می گیرد و کمابیش مداوم حیات جمهوری اسلامی را همراهی می کند. اما نکته اینجاست که این تظاهرات ها اگر چه خودبخودی، بلکه محصول وجود نامتعارف رژیم اسلامی سرمایه است، که اکنون دیگر با پیشروی جامعه به سوی انقلاب اجتماعی، افق و چشم انداز خود قرار داده است. به طوری که دیگر

اتفاقات جامعه ایران استثنا نیست، قاعده اوضاع حاکم است. این عناصر خودبخودی را نباید نادیده گرفت. باید اتفاقاً به آنها جهت داد تا با تئوری مدرن به شیوه ای حیاتی و از نظر تاریخی مؤثر، متحد و یک دست شود.

عمل ما برای در دست گرفتن رهبری این جنبش باید نتیجه جفت شدن کمونیسم کارگری و جنبش سرنوشتی، یعنی همان (نه) بزرگ به کلیت رژیم اسلامی باشد. این مهمترین گام است که جامعه رو

برگرداند و بر پرچم آزادی و برابری نگاه می اندازد. این دینامیسم وجود دارد، چون جامعه زنده است. ولی باید حزب را هرچه بیشتر به میان مردم برد. باید تشکل ها و گردهماییهای از جنس هشت مارس روز جهانی زن، جشن آدم برفی در سنج و اول ماه مه روز جهانی کارگر را انداخت و در آنها آرتیستون کرد. باید به محض حوادث و فاجعه هایی مثل زلزله بم متشکل شد و در اعتراض به رژیم در صف اول بود و مردم را در خیابانها ننگ داشت. باید به حمایت از اعتصاب معلمان برخاست و آترا گسترش داد.

ترس از جمهوری اسلامی، مکانیسم ها و نیرویی که برای بر هم زدن اعتراضات مردم وجود دارد، بدرجه ای ناشی از ضعف سازماندهی ما است. و هدف از سازماندهی، در وحله اول اینست که باید جامعه آگاه شود تا رهبری خود را بشناسد. در برابر وضع موجود، این ایده قرار می گیرد که تشکل هایمان باید چگونه باشد که در هر زمان و هر جا بتواند عمل کند. ضمن تجربه و فعالیت است که به دیدگاهمان محک زده می شود و زمینه های تازه ای فراهم میشود. تنها زمانی که کمونیسم کارگری و مردم و به طور اخص کارگران، که قطب انقلابی جامعه اند، یکدیگر را در آغوش کنند، آنگاه موانع انقلاب اجتماعی را در بازوان خود خرد خواهند کرد.

از صفحه ۵

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

امکان رسیدگی و محاکمه منصفانه حق هر فرد است. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقاً ممنوع است و مبادرت به آن جرم جنایی محسوب میشود. کسب اعتراف با تهدید و تظلم ممنوع است.

۳۴- مجازات اعدام و حبس ابد یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد تحت هر شرایطی ممنوع است.

۳۱- همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند. هیچ مقام یا فردی مصونیت قانونی ندارد. هر کس بی قید و شرط حق دارد علیه هر مقام دولتی در دادگاههای عادی اقامه دعوا کند.

۳۲- هر کس حق دارد از ادای شهادت علیه خود یا اعتراف خودداری کند.

۳۳- اصل در کلیه محاکمات بر برائت متهم است. برخورداری از

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

مصوب کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران (به اتفاق آرا)

مقدمه

حزب کمونیست کارگری ایران با انتشار بیانیه حقوق جهانشمول انسان تصویر روشنی از مبنای حقوق انسان را بدست میدهد. حزب کمونیست کارگری ایران این حقوق را حقوق همه انسانها در هر نقطه جهان میداند و برای تحقق آن میکوشد.

اعلام حقوق جهانشمول انسان علاوه در متن تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و نقشی که حزب کمونیست کارگری بر عهده دارد اهمیت ویژه خود را دارد. جامعه ایران دستخوش یکی از عظیم ترین تحولات تاریخ خود است. جمهوری اسلامی در شرف سرنگونی است و مردم ایران میتوانند و باید علاوه بر سرنگونی جمهوری اسلامی نظامی را بنا نهند که در آن آزادی و برابری در عمیقترین و وسیعترین سطح فردی و اجتماعی متحقق گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران اعلام میکند که مواد حقوق جهانشمول انسان را حقوق تحطی ناپذیر مردم میداند و با تصرف قدرت سیاسی و اعلام جمهوری سوسیالیستی همه این حقوق را بعنوان مبنای قوانین و سیاستهای جامعه اعلام میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران کلیه احزاب سیاسی و کلیه مردم در ایران و جهان را به حمایت جدی از بیانیه حقوق جهانشمول انسان دعوت میکند.

بیانیه حقوق جهانشمول انسان

مواد زیر حقوق جهانشمول و انکار ناپذیر انسان است. هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از جامعه را از هیچ یک از حقوق این سند نمیتوان محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه هستند.

۱- حیات پایهای ترین حق انسان است. جسم و روح افراد از هر نوع تعرض مصون است.

۲- استثمار انسان ممنوع است. کار مزدی، که اساس استثمار انسان در دنیای امروز است، و همچنین هرنوع انقیاد، بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیهی ممنوع است.

۳- مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، چه فردی و چه دولتی، ممنوع است. وسائل کار و تولید دارای جمعی کل جامعه است.

۴- کار فعالیت آزاد و خلاق انسان است. هر کس حق دارد خلاقیتهای فکری و عملی خود را گسترش داده و بکار اندازد.

۵- هرکس مستقل از نقش او در تولید میتواند از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار گردد. همه انسانها در برخورداری از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه دارای حق برابر هستند.

۶- همه انسانها حق فراغت، تفریح، آسایش و امنیت دارند. هر کس حق دارد از مسکن مناسب و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی برخوردار باشد.

۷- هر کودک حق یک زندگی شاد، ایمن و خلاق را دارد. تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. همه کودکان و نوجوانان باید استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی، در بالاترین سطح ممکن، را داشته باشند.

۸- هر فرد، بدون قید و شرط، در داشتن هر عقیده و بیان آن در شکل نوشتاری، شفاهی، هنری، یا هر شکل دیگری چه بصورت فردی و چه جمعی آزاد است. نقد هر چیز و انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و اینتلوژیک جامعه، همچنین اعتراض و اعتصاب کردن بصورت فردی یا جمعی حق بی قید و شرط هر فرد است. هر فرد میتواند هر حزب یا تشکلی را ایجاد کند و یا به چنین نهادهایی بپیوندد.

۹- داشتن حرمت و شخصیت حق هر انسان است. هر نوع افترا، هتک حرمت ممنوع است. هر نوع تبلیغ نفرت یا برتری مذهبی، ملی، قومی، نژادی و جنسی ممنوع است.

۱۰- تفتیش عقاید و تحمیل عقاید ممنوع است. هر کس آزاد است که درباره نظرات و اعتقادات شخصی خود سکوت کند. هر نوع تحریکات و تهدیدات علیه بیان آزادانه نظرات افراد ممنوع است.

۱۱- شرکت مستقیم و مستمر در امر حاکمیت حق هر فرد است.

مقامات و نهادهای دولتی و ارگانهای اداره امور از بالا تا پایین باید منتخب مردم باشند. مردم حق انتخاب و عزل کلیه مقامات و پست های سیاسی و اداری در کشور را دارند. کلیه افراد بزرگسال از حق رای همگانی و برابر برخوردارند و حق دارند برای هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی کاندید شوند.

۱۲- دولت، ارگانهای اداره امور یا مقامات مختلف به خودی خود هیچ حقی در مقابل مردم، چه بصورت فردی و چه بصورت جمعی، ندارند مگر اینکه مردم این حق را به صراحت به آنها داده باشند.

۱۳- دولت و نظام اداره جامعه باید تماما غیر مذهبی و غیر قومی باشد. هرنوع کمک دولت به اشاعه هر مذهب یا دادن هر نوع مضمون یا ارجاع مذهبی، قومی و یا ملی به قوانین ممنوع است. هر نوع ارجاع به مذهب، قومیت یا ملیت افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها ممنوع است.

۱۴- داشتن یا نداشتن مذهب، بی قید و شرط آزاد است. مذهب از دولت و آموزش و پرورش جداسد. هرنوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. انتخاب یا عدم انتخاب مذهب امر بزرگسالان است. کودکان و نوجوانان از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند. جلب افراد غیر بزرگسال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی ممنوع است. تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی ممنوع است.

۱۵- تعیین مذهب رسمی و زبان رسمی اجباری ممنوع است.

۱۶- سلامتی حق هر فرد است و هر کس حق دارد از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن خود از صدمات و بیماری ها برخوردار گردد و از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه استفاده کند.

۱۷- برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن حق هر انسان است.

۱۸- معاشرت و زندگی اجتماعی حق هر انسان است. هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران ممنوع است.

۱۹- جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی حق هر کس است. سانسور، و کنترل بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان

قرار میگیرد ممنوع است.

۲۰- آموزش حق هر فرد است. هر کس حق دارد از امکانات جامعه امروزی برای ارتقای دانش و تخصص خود و یا آشنائی با دست آوردهای فکری و عملی بشریت زمان خود برخوردار شود. دسترسی به کلیه امکانات آموزشی موجود در جامعه و استفاده از آنها حق هر کس است.

۲۱- هر سالمند حق یک زندگی شاد، خلاق و ایمن را دارد. هرکس حق دارد در دوره سالمندی، مستقل از موقعیت مادی خود، از بهترین امکانات زیستی، درمانی و بهداشتی بهره مند گردد. تضمین این حقوق برای سالمندان با جامعه است.

۲۲- آزادی بی قید و شرط سکونت، سفر و نقل مکان حق هر فرد بزرگسال است. هر کس بدون قید و شرط حق دارد به هر کشور سفر کند و یا در هر کشوری اقامت گزیند.

۲۳- هرکس میتواند با پذیرش تعهدات حقوقی شهروندی، شهروند جامعه شود.

۲۴- زندگی خصوصی افراد، محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی مصون است.

۲۵- هرکس در انتخاب لباس آزادی بی قید و شرط دارد. هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی ممنوع است.

۲۶- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

۲۷- برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکارناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم، امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

۲۸- رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است.

۲۹- قضاوت، دادگاه ها و سیستم قضایی بلحاظ حقوقی مستقل هستند. انتخاب و عزل قضاوت و سایر مقامات قضایی حق مردم است.

۳۰- برپائی دادگاه های ویژه ممنوع است. کلیه محاکمات باید علنی برگزار گردند.

نامه های شما

سینا سپهری، تهران چطور سرشان خراب کنیم؟

(با سلام، اینجا همه انتخابات رو تحریم کرده اند اما حزب کمونیست کارگری حرف از خراب کردن این مضحکه انتخاباتی بر سر رژیم میزند. میخواستیم بینم حزب و سازمان جوانان چه راهکار عملی برای این موضوع در دستور کار خودش قرار داده است؟ وظیفه ما در داخل چیست؟ (علاوه بر تحریم، ما با تشکر.)

سینای عزیز ما شرکت نکردن در انتخابات را کافی نمی دانیم. باید برخورد فعال با اوضاع کرد. کلا «بی تفاوتی» (به نامه «پسرخاله») در همین شماره توجه کنید!) و در صحنه اعتراض فعال نبودن توده مردم به نظر ما جالب نیست. یک وجه این برخورد فعال گسترش دادن به اعتراضات و مبارزات علیه جمهوری اسلامی بطور کلی است. (برای مثال نظیر همین اعتصاب معلمان، برپا کردن اعتراضات و اعتصابات دانشجویی، دانش آموزی و غیره)، وجه دیگر آن مشخصا حول خود «انتخابات» رژیم اسلامی است. برای مثال آیا نمی شود که در همان روز انتخابات جوانان هر محل تظاهرات علیه جمهوری اسلامی راه بنوازند؟ آیا امکان ندارد که هر جایی صندوق هست پیکت های اعتراضی بر پا کرد که حتی یک نفر هم به محل صندوق نرود؟ آیا نمی شود حتی به محل صندوق ها حمله برد و بساطشان را بهم ریخت؟ خلاصه در روزهای مضحکه انتخاباتی به جای در خانه ماندن و شرکت نکردن، با یک دنیا اعتراض و شعار و فریاد نفرت علیه جمهوری اسلامی رویرو شویم؟ بنظر ما این دومی بسیار موثرتر از شرکت نکردن است و اگر برای آن کار کنیم، از پیش با شعار نویسی و پخش بنامه و قول و قرار گذاردن و مجموعه ای از ابتکارها فضا را برای آن آماده کنیم، عملی و ممکن است. این برخورد فعال حتی اگر در چند مورد محدود هم نتیجه بدهد مثل بصب صدا خواهد کرد و آبروی جمهوری اسلامی را در تمام دنیا خواهد برد و نشان خواهد داد که کار از «تحریم» و این حرفها گذشته و مردم فعالانه در صحنه اند تا آنرا به گور بسپارند.

حسن صالحی، سوئد فقط لذت میبرم...

(به آرش حبیبی عزیز، نوشته تو تحت عنوان چه باید کرد؟ و پله آخر! مندرج در نشریه ۱۲۴ را خواندم و از آن همه روشن بینی حاض کردم. نوشته و تحلیل درست و قشنگی بود که به دل من خیلی نشست. من شخصاً از این که چنین جوانان و فعالین کمونیست توانایی داریم، فقط لذت می برم و برایم مایه افتخار است که کنار هم هستیم. برایت آرزوی موفقیت و سلامتی دارم. حسن صالحی)

«پسرخاله» از تهران بی تفاوتی تاریخی

(بهرام عزیز، جامعه ایران مردابی شده که حاکمان آن بر قایقهایی کوچک پارویی بر روی آن حرکت میکنند! کسی را میشناسم که از انصار بود. حالا یک کم داره بیدار میشه و به دفتر تحکیم نزدیکه. میگفت حتی این دفتر تحکیمی ها حاضر نیستند از دوم خردادی ها حمایت کنند، چه برسه به مردم!! مردم در بی تفاوت ترین دوران تاریخ ایران قرار دارند. هر کس نجاتشون بده چه آمریکا، چه اسرائیل، چه سلطنت طلبان و چه شما، برانشون مهم نیست. فقط ناجی میخواند!!

در مورد انتخابات مردم حتی حوصله ندارن بهش فکر کنند. تا چه رسد به اینکه حرف بزنن! یا شرکت کنن. حتی خیلی ها دوست دارن راستی ها کار رو یکسره کنن. «چپی» های فاشیست و اعدا کنندگان اوانل انقلاب (اسلامی) و بکشن پایین تا انقلاب بیشتر سرعت بگیرد. هیچ کس حاضر نیست واسه این ها تجمع کنه. حتی دفتر تحکیمی ها!! اگه همه تایید میشدن حتی ملی گرا ها و لیبرال ها هیچکوم رای نمی آرن. پیش بینی میشه ۱۰ میلیون شرکت کنن که ۹ میلیون طرفدار جناح راستند که اکثریت آراء را بلست می آورند. شورای نگهبان لازم نبود کاری کنه. اینا رای نمی آوردند. دیگه خبری نیست. کشور و مردم از نظر سیاسی خیلی سردند. هیچ امیدیه به هیچ چیز ندارند. آخوندها به برکت داشتند و آن اینه که دست اسلام رو شد و دین زدائی این روزها با شتاب خیلی خیلی زیادی داره پیش می آد. البته نظر شخصی خودمو بگم بپخشید فضولی است. نظر من اینه که تا تلویزیون دست این ها هست تمام تلاش ها بیهوده است! به جای این هزینه ها باید به کاری کنیم که با تکنیک های بالآخر ماهواره بلون بشقاب و دیش از منزل دریافت بشه. من شنیده ام که انگلستان این فن آوری رو ایجاد کرده؟ پس کی می آد؟؟ سرتون رو درد آورم، پای...

عیسی از تهران وقت نشستن نیست!

(سلام بهرام جان، دیگه داریم به انتخابات نزدیک میشیم. ما نباید بیکار بنشینیم. همه دوستان هم فقط شعار ندهند. (چه در داخل ایران و چه در خارج کشور). ما باید نهایت تلاشمون رو بکنیم تا رژیم جمهوری اسلامی برای همیشه نابود بشود. دوستان به جای اینکه بنشینن پشت کامپیوتر و فقط برای نشریه مقاله نویسی برن نشریه را به دوستانشون، همکلاسیاشون بدن یا بنامان توی خونه ها. برن توی جمع و مردم را همفکر خودشون بکنند. باید مردم را بیدار کنید. باید ترسشون را ریخت. باید آنها را تشویق کرد که مبارزه کنند. البته من همه این رفتارها را از صمیم قلب دوست دارم. فقط میخواستیم بگم دیگه وقت نشستن نیست. باید تلاش کنیم. مجلس و دولت و اون یکی ها حرف همدیگو را قبول ندارند.

خودتون چند شب پیش دیدین که مجلس چطور بهم ریخته بود. ما باید از این موقعیت نهایت استفاده را ببریم. «

اسد حکمت اصفهان این هولناک است!

(بهرام عزیز، جمهوری اسلامی بعد از جنایت های بی، دست از سر بزماندگان این فاجعه بر نمی دارد. جمهوری اسلامی دست به یک عمل وحشتناک زده است. برای خانواده های از دست رفته قیمت تعیین میکند: تمام خانواده ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومن، پدر و مادر از دست رفته ۵۰۰ هزار تومن! این دیگر هولناک است. یکی از دوستان بی ام که تمام خانواده و خانه اش را از دست داده میگفت یعنی این همه نابودی و فقدان به این پول ناچیز مقایسه میشود!...

صادق فهیمی، تهران لززه بر دژخیمان!

(هم اکنون مطلع شدیم معلمان مدارس دست به اعتصاب سراسری زده اند. از شنبه ۲۷ دی که این خبر لززه دژخیمان جمهوری اسلامی اناخته، طبق اطلاع موقت این اعتصاب تا دوشنبه ۲۹ دی ادامه خواهد داشت که این افتخار بزرگی برای من و شما می باشد!)

دوست عزیز همچنین مطالبی در نقد سلطنت طلبان و طرح سوالاتی در مورد آنها ارسال کرده اند که امیدواریم در فرصتی دیگر به آنها پردازیم.

دामون از تهران بلعیدن اسلامی پاساژ!

(با سلام، سه روز پیش در پاساژ کوثر تعدادی از «خواهران») کثیف سپاه پاسدار معروف به «فاطمی کماندوها» به زنان آرایش کرده هجوم برده و با اسپری و گاز اشک آور و باتون و همراهی تعدادی سرباز زبانی که برای خرید به پاساژ آمده بودند را شنیدم مضروب نمودند. در ضمن تعدادی از فروشندهگان این محل را نیز دستگیر کرده و با تعطیل پاساژ تمامی مغازه داران را از کار بیکار کرده اند. لازم به ذکر است که ملتی است که سپاه با گرفتن وکلایی! سعی در مصادره نمودن پاساژ دارد و به دنبال بدست آوردن بهانه برای پلمب کردن پاساژ بوده تا آنرا به ملک سابق «مهریز یزدانی» که محل پایگاه شمیرانات رژیم است ضمیمه نماید. در دستور سپاه است تا

با بدست آوردن پاساژ در آنجا فروشگاه و مجتمع مسکونی احداث نماید و به اصطلاح هولوپی بالا بکشد!)

محمدعلی بزرگر (ایران؟) شیوه مدرن: انکارش کنیم!

مقاله ای فرستاده اند با عنوان «هژمونی قدرت» که برداشتی از تئوری های پست مدرن به نظر میرسد. این مقاله در عین حال نقلی بر «شیوه های «کهنه» مبارزه چپ است. نوشته اند: «بورژوازی ملرن شده است، پس مبارزه به سبک خودش را می طلبد. همانطور که او سالها ما را (چپ را) با اشتباهات خودمان غافلگیر کرده، پس اکنون نوبت ماست که حره هایش را بشناسیم و به جای مبارزه به روش قرون وسطایی (که البته توضیح نداده اند منظورشان چیست)، از شیوه مدرن استفاده کنیم. و متد موضع گیری ملرن در برابر او شیوه انکار است. انکار به معنی صرف نظر از تمام هستی او. گویا بورژوازی وجود ندارد.

«هم اکنون مطلع شدیم معلمان مدارس دست به اعتصاب سراسری زده اند. از شنبه ۲۷ دی که این خبر لززه دژخیمان جمهوری اسلامی اناخته، طبق اطلاع موقت این اعتصاب تا دوشنبه ۲۹ دی ادامه خواهد داشت که این افتخار بزرگی برای من و شما می باشد!)

دوست عزیز همچنین مطالبی در نقد سلطنت طلبان و طرح سوالاتی در مورد آنها ارسال کرده اند که امیدواریم در فرصتی دیگر به آنها پردازیم.

کیوان از تبریز باز این حزب ما است!

به اسد گلچینی: «... مردم و بخصوص قشر دانشجو و کارگران و حتی مردم عادی همه بر این باورند که این برنامه انتخاباتی و دعوی میان دو جناح یکی دیگر از بازیهای رژیم اسلامی است و منتظر این هستند که چه اقدامی باید انجام داد و میدانند که همانند تحریم انتخابات شوراها تحریم کاری از پیش نخواهد برد. و باز این حزب ماست که راه را جلوی پای آنها میگذارد. اسد جان با این اعلامیه (در مورد تحصن اخیر در مجلس) حزب ثابت میکند که آمادگی رهبریت مردم را دارد. از امروز ما با تمام توان خود شروع به تکثیر و پخش اعلامیه میکنیم.»

رحمان اهوازی (آلمان؟) واکنش به نقد جمهوریخواهان

(برادر مارکسیست، سیاوش جان! از اینکه ایقدر آدم کم صبری هستی و همچون مسلمانان بنیادگرایی تعجب نمی کنم. اما عزیزم این سازمان جوانان ات مگر عضوی از حزب کمونیست (یک عبارت بی ادبانه به جای صفت کارگری) نیست. عزیزم باید آزاد فکر کرد این فحش نامه هایت به اسلام جز عقده تو را نشان نمی دهد. من به سوسیالیسم معتقدم ولی دوران این انحصارات چپ گرایانه و فحشنامه ها بسر آمده و اتحاد جمهوری (خواهان) همچنان بهترین محل واقع بین هاست. رحمان اهوازی مسئول موقت کمیته جوانان.)

آقای اهوازی که اصلا فحش هم بلد نیستید و نمی دهید! شما هنوز هم فرصت دارید تا نوشته سیاوش دانشور در شماره ۱۲۴ را به زبان آدمیزاد نقد کنید و ما آنرا چاپ میکنیم. ما مایل هستیم با شما که ظاهراً «معتقد به سوسیالیسم» و «واقع بین» هستید، و مهمتر میخواهید «آزاد» فکر کنید ولی از نقد بی رحمانه اسلام اینهمه می رنجید، در یک محیط متمنانه بحث دارید و دیالوگ داشته باشیم. سازمان جوانان کمونیست از ابتدا و با افتخار اعلام کرده که سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری است. لطف کنید و به سایت ما که آدرس آن در همین نشریه هست رجوع کنید و اهداف و اصول ما را بخوانید. در ضمن هدف ما منجمله این است که نگاریم حتی یک جوان در جایی مثل «کمیته موقت» جرایمی که هدفش نجات اسلام و جمهوری اسلامی (صد البته تحت نام سوسیالیسم و آزاد فکر کردن!) است گرفتار آید. ما صمیمانه منتظر شنیدن نظرات شما هستیم.

کریم احمدی جنوب ایران هرچه امیدوارتر!

(سلام و امیدوارم همیشه موفق باشی... به شکل و شمایل J.K. (جوانان کمونیست) که نگاه میکنم کیف و عشق میکنم. و خوشحالم که در جنبشی با این عظمت شرکت دارم. جوانانی که مسائل تنوریک مطرح میکنند مرا به افق روشن آینده امیدوارتر و هرچه امیدوارتر میکنند. نمی دانم اینها هم میتوانی نوعی کادرسازی تاقی کرد یا نه؟ ولی به هر حال آینده جنبش کمونیسم کارگری فوق العاده روشن و نتیجه بخش هست و صد البته با عملکرد کمونیستی کادریهای حزب در جامعه.)

مژگان روشن ضمیر، کانادا ۱۱ هزار دلار کمکا

اسنادی را برای ما فرستاده اند که نشان میدهد که به همت ایشان و برخی دوستان دیگر کنسرتیهای در حمایت از زلزله زدگان بم ترتیب داده شده که در طی آن ۱۱۴۴۷ دلار کانادا جمع آوری و به «صندوق کمک به زلزله زدگان» صلیب سرخ داده شده است. برای مرجان و دوستان آرزوی موفقیت داریم و از ایشان خواهش میکنیم تجارب خود را برای ما ارسال دارند.

سنگ و خشت و ارتجاع!

لینک

علی فرهنگ



همچون کوچئی بی انها
http://weblog.koche.net

وطن کجاست؟

نوجوانی افغانی است، ۱۵ یا حداکثر ۱۶ ساله، در را آرام می بندد و با همان ته لهجه اش می گوید: چقدر تقدیم کنم آقا؟ و مرد با لحن بدی می گوید: ۱۷۵ تومان.

پسرک ۲۰۰ تومانی را به سوی مرد رد می کند و منتظر ۲۵ تومان می ماند، مرد گاز می دهد و ماشین از جا کنده می شود، و با لحن پیروزمندانای می گوید: با اینا که اینجوری برخورد نکنیم تا ۱۰ سال دیگه هم دست از سرما بر نمی دارند. !!

سوز از لای شیشه نیمه باز پنجره به داخل میخزد و مثل شلاقی میخورد توی صورتم. متاسفم!

متاسف که ما هنوز خط کشی می کنیم، دور تا دورمان را، ما هنوز همه چیز را درون گریه ای می بینیم و درون آن گریه چیزی نمی بینیم جز کوه دماوند و ارگ بم و تخت جمشید و ..

وطن ما، تعریف شده است از ارگ بمی و مشتی خاک و خشتاش، و تخت جمشیدی که حال نیم سوخته ای ازش باقی مانده است، ستون است و ستون و سنگ و کتیبه، و دماوندی که سوز است و سرماست و بر بلندای این شهر...

کاش می دانستیم که اینها مثنوی نماد هستند و این مردم هستند که ایران را به وجود می آورند و شایسته

عشقواند، نه کوه دماوند و نه ارگ بم و نه هیچ چیز دیگر! تکرار و تکرار در ذهن: وطن کجاست که آواز آشنای تو چنین دور می نماید؟

دخترک شیطان

http://dokhtarak.blogspot.com

بیخود جو نگیردمون. هیچ خبری نیست، جامعه مدرسین قم گفت که میاییم متحصنین رو میریزیم بیرون. وزرای دولت گفتن که استعفا میدیم.

خاتمی گفت که من ترک پست میکنم. نمایندهای رد صلاحیت شده گفتن یا مجلس یا هیچی. بعضی ویلاگها معتقدند که مردم الان باید به حمایت نمایندند ها برن. مردم عین خیالشون نیست. چهل روز به انتخابات موندند.

به این میگن داغ کردن تنور انتخابات. من فکر میکنم که دولت بالاخره در کارش موفق میشه. یعنی الان از این بحثهای بامزه و داغ هی بالا میگیره و یکی میگه فردا استعفا میدم اون یکی میگه روزه میگیم سومی میگه خودسوزی میکنم بعد یهو یه عاقل مردی میاد میگه من واسطه میشم و خیلی از رد صلاحیت شدهها رو صالح تشخیص میدن و مردم که بیرون گود وایستادن حتی اونها که قول داده بودند دیگه تو هیچ انتخاباتی شرکت نکنن احساساتی میشن و میکنن حالا که نماینده ها

تونستن پوز راستها رو بزین و به کرنش وادارشون کنن ما هم میریم رای میدیم که پوزش بیشتر زده بشه و انتخابات با درصد شرکت کننده های زیادی برگزار میشه و هدف اصلی که به همه نشون بدن مردم بیشتر از هشتاد درصد عاشق رژیمشون هستند ثابت میشه.

بیخود جو نگیردمون. ملت لاقال تو تهران دیگه به این راحتی گول نمیخورن.

در ضمن اگه شورای نگهبان راست میگه مرد و مردونه پای حرفش وایسته و یه قدم عقب نشیننه.

آتش

http://atash3.blogspot.com

دو سال پیش معلم جلو درب مجلس صدای اعتراض را بلند کرد. مجلس تنها روزنه امیدش بود. او کمک می خواست و با فریاد اعتراض می خواست بگوید کودکش گرسنه ست و پول اجاره خانه را ماهاست که پرداخت نکرده است. می خواست بگوید سقف زندگی برایش به آخر خط رسیده است و از این طریق نارضایتی اش را به گوش نمایندگان به اصطلاح اصلاح طلب برساند.

رئیس مجلس احتمالاً که همیشه اعتدالیش زیر صفر می ماند از یورش وحشیانه به معلم دفاع کرد زیرا حرکت اعتراضی او به سختی کار و فشار زندگی و حقوق عقب افتاده مجوز نداشت. در چنین روزی حکم رانان دستور سرکوب را صادر کردند

و زن و بچه و پیر و جوان زیر دست و پای چماق و اسلحه ارتجاع جواب مقتضی را گرفت. تعدادی از معلمان دستگیر شدند و نمایندگان پشت پرده سیاست برای درز پیدا نکردن ابعاد این جنایت و جلوگیری از پیش انعکاس وسیع آن مجبور شدند آنها را آزاد کنند و در شهرمان آن را به نفع نماینده دلسوز اصلاح طلب ثبت کنند.

امروز باز تاریخ نه چندان دور تکرار می شود. امروز باز معلمان صدای آخرین التیماutom خود را به

دو سال پیش معلم جلو درب مجلس صدای اعتراض را بلند کرد. مجلس تنها روزنه امیدش بود. او کمک می خواست و با فریاد اعتراض می خواست بگوید کودکش گرسنه ست و پول اجاره خانه را ماهاست که پرداخت نکرده است. می خواست بگوید سقف زندگی برایش به آخر خط رسیده است و از این طریق نارضایتی اش را به گوش نمایندگان به اصطلاح اصلاح طلب برساند.

رئیس مجلس احتمالاً که همیشه اعتدالیش زیر صفر می ماند از یورش وحشیانه به معلم دفاع کرد زیرا حرکت اعتراضی او به سختی کار و فشار زندگی و حقوق عقب افتاده مجوز نداشت. در چنین روزی حکم رانان دستور سرکوب را صادر کردند

و زن و بچه و پیر و جوان زیر دست و پای چماق و اسلحه ارتجاع جواب مقتضی را گرفت. تعدادی از معلمان دستگیر شدند و نمایندگان پشت پرده سیاست برای درز پیدا نکردن ابعاد این جنایت و جلوگیری از پیش انعکاس وسیع آن مجبور شدند آنها را آزاد کنند و در شهرمان آن را به نفع نماینده دلسوز اصلاح طلب ثبت کنند.

امروز باز تاریخ نه چندان دور تکرار می شود. امروز باز معلمان صدای آخرین التیماutom خود را به

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه
۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر
به وقت تهران
ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com
تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴
فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10
0031-613248331
0049 1632693033
0046 70 678 1198
001 604 730 5566
0044 77 61 10 6683
00905552048603
0046 70 48 68 647
0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرهمند
هلند: مجید پسنچی
آلمان: نبز احمد زاده
سوئد: حامد خلکی
کانادا: سامان احمدی
انگلاستان: فرشاد پویا
ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی
مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Jawanan
Postfach 620 515
10795 Berlin
Germany

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر
mosaber@yahoo.com
Tel: 001 604 730 5566

از این سایت ها دیدن کنید:
www.jawanan.org
www.m-hekmat.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.medusa2000.com
www.wpiran.org
www.childrenfirstinternational.org